

واژگان درس اول کتاب زبان دوازدهم - صفحه ۱

a dedicated physician	یک پزشک متعهد / ایثارگر	be angry at / with	از دست کسی عصبانی بودن	carry	حمل کردن، بردن
a little later	مدتی بعدتر	be born	متولد شدن	Caspian Sea	دریای خزر
a lot (adv)	مقدار زیاد	be called	نامیده شدن	catch	گرفتن
a sense of belonging	احساس تعلق و وابستگی	be founded by	تاسیس شدن توسط	chess	شطرنج
a sense of identity	احساس هویت	be grateful	ممنون بودن	chicken	مرغ، جوجه
a set of	مجموعه ای از	be hard of hearing	مشکل شنوایی داشتن	childhood	دوران کودکی
abroad	خارج کشور	be proud of	افتخار کردن به	choice	انتخاب، گزینه
abroad	خارج کشور	be remembered	به یاد ماندن	close friend	دوست صمیمی
accidentally	به طور اتفاقی	be sure about	مطمئن بودن از	collection	مجموعه
active voice	جمله معلوم	be well	سالم بودن	collocation	هم آیی کلمات با هم
actually	واقعاً	be worthy	ارزش داشتن	combination	ترکیب
advice	نصیحت، توصیه	behavior	رفتار، منیش	come back	برگشتن
after a few minutes	بعد از چند دقیقه	blank	جای خالی، سفید	comfortable	راحت، آسوده خاطر
after a little while	بعد از مدتی	blood pressure	فشار خون	common	معمول، رایج، مشترک
again and again	بارها و بارها، مکرراً	boost	تقویت کردن، زیاد کردن	complete	کامل کردن
agreement	توافق	boring	کسل کننده	compound sentence	جمله ی مرکب
airplane	هواپیما	brain	مغز	comprehension	درک مطلب
all the time	تمام مدت	break	شکستن، استراحت	confirm	تایید کردن
along with	همراه با	bring	آوردن	connecting word	کلمه ی ربط
aloud	با صدای بلند	bring up	پرورش یافتن	contrast	تقابل، تضاد
antonym	متضاد، مخالف	burst	ترکیدن، منفجر شدن	countless	بی شمار، زیاد
appreciation	قدردانی، تشکر	burst into tears	اشک را سرازیر کردن	cousin	دخترعمو، پسرعمو...
appropriate	مناسب، شایسته	busy	مشغول، سرگرم	create	خلق کردن، ساختن
around the world	اطراف جهان	butter	کره	cruel	بی رحم، ظالم
as	مثل، به عنوان، چون، وقتی که	by accident	به طور اتفاقی	cry	گریه کردن
as well	همچنین	by heart	از حفظ	culture	فرهنگ
at all	اصلاً، ابداً	by the way	ضمناً، راستی	cure	درمان، درمان کردن
at least	حداقل	cage	قفس	dear	عزیز، گرامی
attempt	تلاش کردن، کوشش	calmly	به آرامی	dedicate	وقف کردن، تخصیص دادن
author	نویسنده، مؤلف	camera	دوربین	definition	تعریف کلمه
babysitting	پرستاری از بچه	cancer	سرطان	description	توصیف، تشریح
bacteria	باکتری ها	care for	مراقبت کردن، اهمیت دادن	deserve	استحقاق داشتن
		careful	مراقب، متوجه، محتاط	develop	گسترش/ تکامل دادن

واژگان درس اول کتاب زبان دوازدهم - صفحه ۲

diary	خاطرات روزانه	feel happy for	احساس خوشحالی برای	help	کمک کردن
difference	تفاوت، اختلاف	feel honored	احساس احترام کردن	helpful	مفید، سودمند
diploma	دیپلم، گواهینامه	feeling	حس، احساس	hence	بنابر این
discover	کشف کردن	fill in	پر کردن، کامل کردن	heritage	میراث، ارث
disease	بیماری	fix	تعمیر کردن	history	تاریخ
dish	غذا، ظرف، بشقاب	flu	آنفلوآنزا	Holy	مقدس، عزیز
dishwasher	ماشین ظرف شویی	following	زیر، ذیل	homeland	وطن، سرزمین مادری
distinguished	برجسته، شاخص، مشهور	for instance	به طور مثال	homework	تکلیف منزل
do exercise	ورزش کردن	forgive	بخشیدن، عفو کردن	hope	امید، امیدوار بودن
doer	انجام دهنده، فاعل	found	بنیان گذاری کردن	hopefully	امیدوارانه، خوشبختانه
donate	وقف کردن، اختصاص دادن	fridge	یخچال	hospital	بیمارستان
draw	کشیدن، رسم کردن	friendly	دوستانه، صمیمانه	housewife	کدبانو، خانم خانه
dress	لباس زنانه	function	نقش، کارکرد، وظیفه	hug	در آغوش گرفتن، بغل کردن
during	در طی، در طول	future	آینده	hungry	گرسنه
duty	وظیفه، تکلیف	gazelle	غزال	important	مهم
each other	یکدیگر	generate	تولید کردن	importantly	به طور مهمی
each time	هر بار	generation	تولید، نسل	improve	بهبود بخشیدن
early	اولیه، زود	generous	بخشنده، سخاوتمند	in a quiet way	به طور آرامی
either ...or	یا این یا آن	get better	بهبتر شدن	including	شامل، از جمله، مثل
elder	بزرگتر	go to sb	پیش کسی رفتن	increase	افزایش یافتن
elderly	مسن	go together	با هم آمدن	inform	اطلاع دادن
elicit	استخراج کردن، گرفتن	grandchildren	نوه ها	inspiration	الهام
emotion	احساس	grandfather	پدر بزرگ	install	نصب کردن
end in	منتهی شدن	great man	مرد برجسته، بزرگمرد	interestingly	به طور جالبی
enjoy	لذت بردن	grow old	بزرگ شدن	invent	اختراع کردن
enjoyable	لذت بخش	guess	حدس زدن	inventor	مخترع
enough	کافی، بس	guideline	راهنما، راهبرد	It's a pity!	جای تاسفه!
ethics	اخلاق، مبانی اخلاقی	handle things	اوضاع را مدیریت کردن	just	درست، دقیق، الان، فقط
expensive	گران	happen	اتفاق افتادن	keep a diary	خاطره نویسی کردن
experiment	آزمایش	hard of hearing	کم شنوا	keep asking	مدام سوال کردن
failure	ناکامی، شکست	hate	متنفر بودن	kid	کودک، بچه
family member	عضو خانواده	health	سلامتی، بهداشت	kill	کشتن
famous	مشهور، نامی	health condition	وضعیت سلامتی / بهداشتی	kind	نوع، مهربان
feed	غذا دادن	heavy rain	باران شدید	kindly	با مهربانی

واژگان درس اول کتاب زبان دوازدهم - صفحه ۳

kindness	مهربانی ، لطف	no matter	اهمیت ندارد	prefer	ترجیح دادن
kiss	بوسیدن	no surprisingly	تعجیبی ندارد	principle	اصل
kitchen	آشپزخانه	normal	به طور طبیعی	process	فرآیند
known	معروف، نامی	note	یاد داشت ، نکته	product	محصول، فرآورده
lack	نبود، فقدان، کمبود	on the other hand	از طرف دیگر	project	پروژه
lap	روی زانو ، دامن	on their own	خودشان، به تنهایی	pronoun	ضمیر
later	بعداً	once	زمانی، روزگاری ، یک بار	protect	محافظت کردن
lazy	تنبل	only	تنها، فقط	provide	فراهم کردن
leave	ترک کردن، رفتن	or	یا	provided by	تهیه شده توسط
library	کتابخانه	orally	به طور شفاهی	quantity	مقدار
light bulb	لامپ برق	order	نظم، ترتیب، سفارش	quiet	آرام ، ساکت
like (prep)	مثل	ordinary	معمولی، عادی	quietly	به طور آرامی
location	محل، مکان ، موقعیت	page	صفحه	rarely	به ندرت
lots of work	کار زیاد	pain	درد	rather than	به جای
louder	با صدای بلند تر	pancake	نان شیرینی	really	واقعاً
lovely	زیبا، از روی عشق	parent	پدر یا مادر ، ولی	reason	دلیل
loving	عاشقانه، دوست داشتنی	parrot	طوطی	receive	دریافت کردن
lovingly	به طور عاشقانه ای	pass	گذراندن، عبور کردن	record	ثبت کردن
lower	کم کردن، پایین آوردن	passive voice	جمله مجهول	refer to	اشاره داشتن به
main idea	ایده اصلی	pause	مکث، درنگ	regard	در نظر گرفتن
make a mistake	اشتباه کردن	peaceful	آرام ، صلح آمیز	religious education	آموزش مذهبی
match	تطبیق دادن، مسابقه	Persian Gulf	خلیج فارس	repeatedly	به طور مکرر
meal	وعده ی غذایی	physician	پزشک	replace	جایگزین کردن
meaningful	پر معنی	pigeon	کبوتر	reply	جواب دادن
medical center	مرکز پزشکی	pink	رنگ صورتی	respect	احترام کردن
medicine	دارو، رشته پزشکی	poet	شاعر	responsibility	مسئولیت
memory	خاطره، یاد ، حافظه	poetry	شعر	result	نتیجه
mention	ذکر کردن، گفتن	point	نقطه، نکته	robber	دزد ، سارق
microwave	مایکرو ویو، ریز موج	polite	مودب	role	نقش
moral	اخلاق ، اخلاقی	politely	مودبانه	same	یکسان، همانند
mostly	اکثراً ، عمدتاً	poor	فقیر	scientist	دانشمند
native speaker	گویشور بومی زبان	positive	مثبت	score	نمره
necessary	لازم، ضروری	possible	ممکن	second time	بار دوم
nice time	وقت خوش	practice	تمرین ، عمل	select	انتخاب کردن

واژگان درس اول کتاب زبان دوازدهم - صفحه ۴

sense	حس	take a rest	استراحت کردن	village	روستا
serious	جدی	take care of	مراقبت کردن	way	راه، روش
share with	به اشتراک گذاشتن با	take temperature	درجه حرارت را گرفتن	wear	پوشیدن
shout at sb	سر کسی داد زدن	technology	فن آوری	weather	آب و هوا
sick	بیمار، مریض	teenager	نوجوان، جوان	weave	بافتن
signal	علامت دادن، سیگنال	tense	زمان فعل	whereby	که به وسیله آن
similar activity	فعالیت مشابه	terrible	وحشتناک	willing	مشتاق، علاقه مند
simple sentence	جمله ساده	text	متن	with regards to	با توجه به
sing	آواز خواندن	textbook	کتاب درسی	within	در، درون
skim	پیمایش سریع متن	the rest	بقیه	without	بدون
smart phone	تلفن هوشمند	then	سپس	wonderful	شگفت انگیز، جالب
so	بنابر این، زیاد	think about	فکر کردن در مورد	zoo	باغ وحش
society	جامعه	third time	بار سوم		
sofa	مبل، راحتی	thought	اندیشه، فکر		
solution	راه حل	through	از راه، از طریق		
son	پسر	thus	بنابر این		
sound	به نظر رسیدن	times	دفعه، بار		
spare no pain / effort	از هیچ کوششی فروگذار نکردن	title	عنوان، تیتر		
starter	آغاز کننده	too	زیاد، همچنین		
stay	ماندن	tool	ابزار، وسیله		
steal	دزدیدن	toy	اسباب بازی		
step	گام، مرحله، قدم	translate	ترجمه کردن		
strategy	راهبرد، سازوکار	TV series	سریال تلویزیونی		
strength	قدرت	uncertainty	عدم اطمینان		
strong wind	باد شدید	uncle	عمو، دایی		
subject	موضوع، نهاد جمله	unconditionally	بدون شرط، قطعی		
success	موفقیت	underline	زیر کلمه ای خط کشیدن		
successful	موفق	university professor	استاد دانشگاه		
successfully	به طور موفقیت آمیزی	unnatural	غیر طبیعی		
such	چنین	unreal	غیر واقعی		
suddenly	ناگهان	value	ارزش		
suggest	پیشنهاد کردن	vase	گلدان		
suitable	مناسب				
tag question	دنباله سوالی				